پیامدهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی کشور از دیدگاه اعضای هیات علمی و دانشجویان

محمدجواد لیاقتدار[۱]، نعمت الله اکبری[۲]، سمیه احمدخواه[۳]، میلاد جوانمردی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۸ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴

چکیده

رشد چشمگیر حضور زنان در سطوح مختلف آموزش عالی در ایران و افزایش پذیرش دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها به بیش از ۶۰ درصد و بالاتر از آن در دهه گذشته، موضوعی است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران رشته‌های مختلف را به خود معطوف نموده است. برخی پیداش این پدیده را مثبت و آن را یک فرصت برای توسعه جامعه تلقی نموده و در مقابل عده‌ای با بیان پیامدهای منفی، آن را مقدمه‌ای برای بحران در آینده می‌دانند. هدف این پژوهش بررسی پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و آموزشی این پدیده است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی – پیمایشی است. جامعه آماری را اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی اصفهان و هنر تشکیل داده‌اند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری گردید که ۱۴۵ استاد و ۳۰۳ دانشجو به پرسشنامه پاسخ دادند. روایی پرسشنامه مورد تأیید پنج نفر از اساتید قرار گرفت و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ بررسی و ۰/۹۱ محاسبه شد و سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از روش‌های میانگین، انحراف معیار، کلموگروف اسمرینف و t انجام گردید. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که افزایش میزان قبولی دختران از نظر اساتید و دانشجویان بر پیدایش هر سه پیامد فرهنگی، اجتماعی و آموزشی بیش از حد متوسط تاثیر داشته و در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است. به‌علاوه، از نظر اساتید میانگین پیامدهای فرهنگی و اجتماعی و از نظر دانشجویان میانگین پیامدهای آموزشی بالاتر بود. در پایان با توجه به نکات مثبت و منفی افزایش ورودیهای دختر توصیه می‌شود که زمینه‌ای برای افزایش آگاهی دختران نسبت به موقعیت‌های زندگی فراهم گردد تا درپی آن تصمیمات مناسب‌تری اتخاذ کنند.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، پیامدهای فرهنگی – اجتماعی و آموزشی، زنان.

۱ استاد دانشگاه اصفهان
۲ استاد دانشگاه اصفهان
۳ کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان
۴ کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

مقدمه

آموزش در معنای وسیع خود، آموزش‌هایی است که از خانواده شروع می‌شود و در مدرسه و دانشگاه ادامه می‌یابد که فرآیندی رسمی و عمدی را دنبال می‌کند. به‌عبارتی، آموزش سیستمی است که ارزش‌های اجتماعی و سیاسی را منتقل می‌کند که این ارزش‌ها می‌توانند در استای ارزش‌های فعلی جامعه باشند و یا درپی تغییر آنها اقدام کنند(صمیمی‌پور، ۱۳۹۲، ص۲۴).

در هزاره سوم تحولات وسیعی از جمله فردگرایی و دگرگونی بنیان‌های فکری در حال اتفاق افتادن است که آموزش یکی از محوری‌ترین روشهای این تغییرات می‌باشد(پورکریمی، ۱۳۸۳،ص ۸۸). انسان‌های تحصیلکرده یکی از منابع قدرت هر جامعه هستند و برای کسب توسعه باید مورد استفاده قرار گیرند که این امر مختص به یک جنس نیست و نقش زنان نیز در ایجاد و تقویت این منبع چشمگیر می‌باشد(لاندبرگ و پولاک[1] ۱۹۹۳؛ دوفلو[2]۲۰۱۲؛ پارین‌جوری[3]و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۱۳؛ شجاعی، ۱۳۸۱، ص۹۰؛ فریدون، ۱۳۸۳، ص۲۰).

در طول تاریخ زنان از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده، در جایگاه دوم قرار گرفته و حتی به حاشیه رانده شده‌اند (فیلیزر[4] ۲۰۱۴، ص ۱). این وضعیت از تصور ناتوانی زنان یا پدیده‌ای که «سقف شیشه‌ای» نامیده می‌شود، نشات گرفته (نوکرتی[5]و همکاران، ۲۰۱۴، ص۲ ؛ شریف[6]۲۰۱۵، ص ۲) که در نتیجه آن، زنان از آموزش، خدمات بهداشتی و فعالیت‌های موثر در توسعه محروم بوده‌اند(سرجونو[7]و همکاران، ۲۰۱۵، ص۳۷۰). در گزارش مجمع اقتصاد جهانی(۲۰۱۵) در رتبه‌بندی شکاف جنسیتی، به‌ترتیب، کشورهای یمن، پاکستان، چاد، سوریه، مالی و ایران پایین‌ترین رتبه‌ها را دارند.

بیان مسئله

برای رسیدن به رستگاری، توسعه اجتماعی و هدفهای مقدسی که در قانون اساسی بیان شده و رهبران نظام بر آن پای می‌فشارند، باید از قشر تحصیلکرده استفاده کرد. در این میان آموزش عالی در افزایش سطح اطلاعات و آگاهی‌های جامعه نقش محوری بر عهده دارد. افراد تحصیلکرده در شبکه ارتباطی تأثیر گسترده‌تر و فعالتری دارند. علاقه و عادات آنها در خصوص مطالعه کتب، تدبر و تفکر، بررسی مسایل جامعه و مطالعه گروههای اجتماعی، مسافرت به مناطق مختلف و آشنایی با فرهنگ و تمدنهای دیگر همگی در افزایش حجم اطلاعات سیاسی و اجتماعی آنان تأثیر شگرفی دارد و این امر از جمله شاخصهای توسعه یافتگی جوامع محسوب می‌شود (فریدون، ۱۳۸۳، ص۲۰).

1 Lundberg & Pollak
2 Duflo
3 Parinduri
4 Flaiser
5 Novo-Corti
6 Sharif
7 Surjono

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

برای تاثیرگذاری زنان در توسعه کشور، آموزش عالی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. به طورکلی، انتظار جامعه از نظام آموزش عالی دستیابی به سه هدف عمده می‌باشد: آموزش، پژوهش و ارائه خدمات عمومی و تخصصی به توده مردم(آستین[1]، ۲۰۱۲، ص ۴). منظور از آموزش ایجاد تحول مطلوب در فراگیران است که این تحول از راه بدست آوردن دانش و شناخت مسائل جهان ممکن می‌شود. بنابراین آموزش عالی رسالت مهمی در تولید دانش و آماده نمودن فارغ‌التحصیلان برای تصدی مسئولیت رهبری در دنیای رقابتی، پیچیده و مرتباً در حال تغییر امروز، بر عهده دارد(آلت‌بک و دویت[2]، ۲۰۱۵، ص ۳).

هدف اصلی پژوهش شناخت نتایج مثبت و منفی افزایش حضور دختران در آموزش عالی است که در شهر اصفهان بررسی شده است. به‌عبارتی، سوال اصلی پژوهش حاضر آن است که گسترش تعداد دختران در آموزش عالی چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟ که به علت گستردگی دامنه‌ی پژوهش به سه پیامد فرهنگی، اجتماعی و آموزشی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

زنان در طول تاریخ مورد تبعیض‌ها در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار گرفته‌اند. تا قبل از اسلام وضع زنان اسف‌انگیز بود، به طوری که اعراب دختران خود را زنده به گور می‌کردند و زنان بعد از فوت همسر مانند سایر ماترک متوفی به فرزند ارشد ارث می‌رسید(بجنوردی، ۱۳۸۳، ص۲۰). مظلومیت زن در جهان قبل از اسلام به حدی بود که تاریخ‌نویسان آن را به دو دوره تقسیم کردند: ۱- دوره وحشیگری که با نهایت خشونت با زنان رفتار می‌شد. ۲- دوره تمدنهای یونان، روم و ایران که در اکثر ادیان زن هم‌شان مرد و شریک زندگی او محسوب شده است. هرچند در این دوره، برای زن شخصیت حقوقی واجتماعی قائل نبوده و او را تابع مرد می‌دانستند (بخارایی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱).

در چنین وضعی اسلام موجب تغییرات وسیعی در مقام اجتماعی زن گردید. استاد مطهری(۱۳۸۶، ص ۱۹۹) اشاره کرده‌اند که اسلام در عین حال که زنان را نسبت به حقوق انسانی خود آشنا کرده و به آنها شخصیت و حریت و استقلال داده، هرگز آنها را به تمرد و عصیان و بدبینی نسبت به جنس مرد وادار نکرده است. در بینش اسلامی، زن در سه بعد فردی یعنی ارزش انسانی زن، بعد اجتماعی و بعد خانوادگی او مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

از نظر انسان‌شناسی اسلامی، در ژرفای مفهوم انسانی که مبنای قانونگذاری است، حقیقت زن و مرد را نمی‌توان به دو دسته مونث و مذکر تقسیم کرد. به عبارتی، در بطن مفهوم انسانیت دو دستگی وجود ندارد که زن و مرد دو طرف این مفهوم باشند، بلکه انسان نفس یگانه است. خداوند در آیه ۱۸۹ سوره اعراف می‌فرماید: «هُوَ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ » «او کسی است که شما را از نفس واحدی آفرید». این آیه در برابر مکاتبی بیان شده که زن را جنس دوم و پست می‌دانند. تفاوت میان زن و مرد امری عارضی و خارج از ذات و حقیقت انسانی، متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی و به انگیزه حفظ مصالح

1 Astin
2 Albach & De Wit

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

فرد و جامعه پیش‌بینی شده است(صفری، ۱۳۷۴، ص۳۵). با توجه به آیات قرآن، تقوا[۱] علم[۲] و جهاد[۳] ملاک برتری است که ربطی به جنسیت و سایر عوامل فردی ندارد(شجاعی، ۱۳۸۱، ص ۲۸).

از نظر اسلام در زمینه فعالیت‌های اجتماعی میدان فعالیت برای زنان باز است. در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان نه یک شی می‌تواند با مردان مشارکت فعال داشته باشد(موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ص ۶۵). از جمله حقوق اجتماعی زنان در فعالیت‌های مربوط به اجتماع عبارت است از: ۱- پیشرفت علمی زنان: در اسلام تحصیل علم تخصص مردان نیست، بلکه به زنان هم توصیه شده است. اسلام در کنار احترام به همه توانایی‌ها و استعدادهای زن به عنوان یک انسان، معتقد است که شخصیت او همراه با علم، دانش و در سایه عبودیت و معنویت است که به کمال می‌رسد(اسماعیلی و یزدخواستی، ۱۳۸۵، ۱۹۷). ۲- زن و مدیریت جامعه: گرچه زنان در طول تاریخ از این حق محروم بوده‌اند، ولی در بسیاری از اتفاقات جامعه نقش داشته‌اند(بخارایی، ۱۳۸۹، ص۱۱۵). هرچند زنان توانایی مشاغل مدیریتی را دارند ولی عمدتا کلیشه‌هایی که در مورد توانایی‌های احساسی و رفتاری آنها وجود دارد باعث می‌شوند که در سلسله‌مراتب سازمانی مناصب بالایی را برعهده نگیرند(کوپرجکسون[۴] ۲۰۰۱؛گوپال[۵] ۲۰۰۸؛ حسین‌پور، ۱۳۹۱). ۳- زن و مسئولیت حقوقی: ورود آنها در عرصه معاملات، تشکیل شرکت‌ها، استعلام نیرو و اسکان آن منعی ندارد. درفقه اسلامی صلاحیت و کفایت زنان برای ورود به عرصه‌های حقوقی پذیرفته شده است(مومنی، ۱۳۸۵، ص ۴۰۲).

در اروپا نیز زنان از شریط مناسبی برخوردار نبودند. ریشه‌های بهبود وضعیت آنان را می‌توان در جریان فمنیست یافت. طرز تفکر فمنیسم در قرن چهاردهم توسط کریستین دو پیزان[۶] در انگلستان، در قرن هفدهم توسط ماری آستل[۷] و در قرن هجدهم توسط ماری ول استون کرافت[۸] پایه‌گذاری شد. شاخص مشترک تمام تلاش‌های فمنیست‌ها در مفهوم شرافت زن نهفته است(جگر[۹]، ۲۰۱۵، ص ۲۱۲). به عبارتی آنها در تلاش‌اند تا زنان خود را به عنوان موجوداتی انسانی بشناسندکه بدون پذیرش محدودیت‌هایی که به طور سنتی از سوی مردان تحمیل می‌شود، حق شکوفایی تمامی وجوه شخصیت خود را دارند(لی‌گیت؛[۱۰] ۲۰۱۲، ص۴۰).

دو دسته نظریه در زمینه فعالیت‌های فمنیست‌ها برای رفع نابرابری مرد و زن وجود دارد. دسته اول، نظریه‌های تبعیض جنسی است که نابرابری جنسی را نوعی نابرابری اجتماعی می‌داند که حکایت از کم بهاتر بودن جایگاه زن نسبت به مرد

---

۱ «إِنَّ أَكرَمَكُم عِندَ اللَّهِ أَتقاكُم» (الحجرات، ۱۳)
۲ «هَلْ يسْتَوى الذينَ يعْلَمُونَ و الذينَ لَا يعْلَمُونَ»(الزمر،۹)
۳ «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدينَ عَلَى الْقاعِدينَ أَجْراً عَظيماً»(نساء،۹۵)

4 Cooper Jackson
5 Gopal
6 Christine de Pizan
7 Mary Astell
8 Mary Wollstonecraft
9 Jaggar
1 Legates 0

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

حتی در موقعیتهای مشابه دارد. دسته دوم نظریه‌ها، نظریه‌های ستم جنسیت[1] نام دارند که ستم جنسی را اعمال قدرت غیرعادلانه یا توأم با خشونت تعریف کرده‌اند(نیکلسون،[2] ۲۰۱۳، صص ۲۷۹-۲۸۱). البته لزوماً ستم با اعمال قدرت همراه نیست. تمام نظریه‌های مربوط به ستم جنسیت، موقعیت زنان را ناشی از ارتباط مستقیم قدرت میان مردان و زنان می‌دانند که به موجب آن مردان، کنترل، بهره‌کشی، تسلط و سرکوب زنان را جزء نیازهای اساسی خود می‌پندارند(بارت،[3] ۲۰۱۴، ص ۸۵).

با نگاهی به آمارها متوجه می‌شویم که در سرتاسر جهان تحولی عظیم در میزان حضور و مشارکت زنان و دختران در آموزش عالی به وجود آمده است. میزان حضور و مشارکت زنان درآموزش عالی در سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ در همه کشورها افزایش یافته(دیپریت و بچمن،[4] ۲۰۱۳، ص ۳۲) تا آنجا که در پژوهشی لیدویث و منفردی[5] ۲۰۰۰، ص ۹) با بررسی ۲۴ کشور اروپایی نشان دادند، روند پذیرفته‌شدگان زن در آموزش عالی از مردان بیشتر است.

در کشور ما نیز زنان گرایش بیشتری به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده‌اند و تعداد قبولی آنها در امتحانات ورودی دانشگاهها افزایش چشمگیری داشته است(مهرمحمدی، ۱۳۹۲، صص ۱۲-۱۳). تعداد دانشجویان دختر پس از انقلاب اسلامی یعنی در طی سال‌های ۱۳۶۷- ۱۳۵۷، با افزایش ۳۰ درصدی مواجه شده است. آمارها نشان می‌دهد که تعداد پذیرفته‌شدگان دختر در کنکور طی سال‌های دهه۷۰، از ۳۷/۴ درصد در سال ۷۳ به ۸۲ درصد در سال ۷۷ و در سال‌های بعد این میزان تا بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت. این در حالی است که طی همین سال‌ها جمعیت پذیرفته‌شدگان پسر رو به کاهش گذاشته است(آراسته، ۱۳۸۶، ص۱۵؛ ویژگیهای اجتماعی- اقتصادی زنان در ایران، ۱۳۷۹، ص۴۳). کدیور(۱۳۸۲) معتقد است که افزایش ۳۰۰ درصدی دانشجویان دختر از سال ۶۷ به بعد دلایل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد که از جمله می‌توان به: حذف محدودیت ورود دختران به برخی از رشته‌ها، اعتماد خانواده‌ها به محیط‌های دانشگاهی، رواج روحیه مدرک‌گرایی و ارتقای فرصت‌های شغلی بیشتری برای زنان اشاره کرد. این گرایش مختص به حضور در دانشگاه نیست به طوری که طبق آمار آموزش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حضور زنان در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی به بیش از ۵۵ درصد رسیده است(مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱).

تاثیرات حضور در آموزش عالی در عرصه‌های مختلف زندگی نمایان است. تحصیلات زنان باعث می‌شود که در هنگام بارداری به نحوه بهتری از جنین مراقبت کنند، فرزندان سالمتری به دنیا بیاورند و میزان مرگ و میر کودکان کمتر شود(میرسکایلا،[6] ۲۰۱۳، ص ۲۱۹). از طرف دیگر، زایمان‌های ناخواسته در بین زنان تحصیلکرده کمتر است(اوسیلی و لانگ،[7]

1 Sex oppression
2 Nicholson
3 Barrett
4 Diprete & Buchmann
5 Ledwith & Manfredi
6 Myrskylä
7 Osili & Long

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

۲۰۰۸؛ موکان و کانونیر[1] ۲۰۱۲؛ گرث و سوسا[2] ۲۰۱۲، ص۵۲؛ بهرمن[3] ۲۰۱۵، ص۸۰۲؛ چن[4] ۲۰۱۶ ، ص۲۸۳). کانینگهام و همکاران[5](۲۰۱۵) در پژوهشی دریافتند که تحصیل، توجه زنان را نسبت به تغذیه فرزندانشان بیشتر می‌کند. تحصیلات مادر میزان موفقیت تحصیلی فرزندان را بالاتر می‌برد زیرا آموزش را تهدیدی برای زندگی خویش نمی‌دانند(شیولیر[6] و همکاران، ۲۰۱۳، ص۱). ادوارد و پاسکال[7](۲۰۰۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مهمترین عامل تمایل دختران در ژاپن به آموزش عالی ترغیب آنها توسط مادران تحصیلکرده در آموزش عالی است. البته عوامل دیگری مثل میزان درآمد خانواده و حضور در مدارس خصوصی و عالی هم موثر بوده‌اند.

از جمله دیگر تاثیرات آموزش عالی می‌توان به افزایش میزان مشارکت‌های سیاسی زنان اشاره کرد. مشارکت‌های سیاسی زنان در کشور ما بین سالهای ۱۳۸۱-۱۳۶۹ بیشتر شده است به طوری که تعداد نمایندگان زن مجلس از ۲ درصد به ۵ درصد افزایش یافته‌اند. البته این آمار پایین به علت چالش‌های فرهنگی و عدم اعتماد به نفس زنان برای اشتغال در سمت‌های تصمیم‌ساز است(نجوان، ۱۳۸۶، ص۲۳). شاه‌طالبی و همکاران(۲۰۱۱، ص۳) معتقدند که تحصیلات بیشتر زنان و کسب مهارت‌های مدیریتی و اجتماعی، می‌تواند مدیران زن بیشتر و موثرتری تربیت کند. زیرا زنان تحصیلکرده به علت برخورداری از دانش و آگاهی از مسائل روز جامعه و آشنایی با مکاتب فکری مختلف، می‌توانند نقش‌های سیاسی برعهده بگیرند و خواسته‌های خود را مطرح کنند(اکین[8] ۲۰۱۳). باکلی و کاتر[9](۲۰۰۰) در پژوهشی در زمینه مدیریت دانش به این نتیجه رسیدند که از جمله فواید دانش و دانش‌اندوزی این است که دانش، کاتالیزوری برای اقدامات است و تسهیل‌کننده عملکرد انسان‌ها در انجام امور مربوط به زندگی می‌باشد. از نظر کینگ و میسن(۱۰۰۱) مشارکت زنان در جایگاه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مدیریت کشور به استفاده بهینه از سرمایه‌های اجتماعی برای افزایش بهره‌وری عاملی، اصلاح نظام اداری و بهبود کیفیت خدمات دولتی در کشورهای درحال توسعه کمک شایان توجهی می‌کند و باعث ارتقای دو شاخص توسعه انسانی تعدیل شده بر حسب جنسیت و شاخص توانمندی جنسیتی می‌شود.

تحصیلات عالی زنان باعث افزایش مهارت‌های ارتباطی آنان می‌شود. گارلند(۱۹۸۱) بیان داشته است که تحصیلات به افزایش سطح آگاهی زنان در زمینه‌ی مهارت‌های ارتباطی- گفتاری و اثربخشی بیشتر در طعام، کنترل احساسات و هیجانات کمک می‌کند. لی(۲۰۰۷) اشاره کرده است حضور زنان در آموزش عالی باعث به دست آوردن کنترل شخصی و استقلال

1 Mocan & Cannonier
2 Groth & Sousa
3 Behrman
4 Chen
5 Cunningham
6 Chevalier
7 Edwards & Pasquale
8 Okin
9 Buckley & Carter
1 King & Mason 0
1 Garland 1
1 Lee 2

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

مالی بیشتر و تصمیم‌گیری، نگرش مثبت به آینده، رسیدن به اهداف شخصی و حرفه‌ای و افزایش موفقیت در تربیت فرزندان می‌شود.

تغییر نگاه نسبت به زنان در جوامع از طرفی، باعث افزایش تقاضا برای آموزش عالی و از طرف دیگر، موجب تغییر الگوی سنتی «مرد تنها نان آور خانواده» شده است(اومداو[1] همکاران، ۲۰۱۵، ص۲؛ بایزن[2] همکاران، ۲۰۱۶، ص۲۵). هرچند آموزش عالی توانسته است که شکاف‌های جنسیتی عمیق و قدیمی را برطرف کند ولی زنان در دانشگاه‌ها با چالش‌های جنسیتی قدیم و جدید روبه‌رو هستند(ساکس،[3] ۲۰۰۷، ص ۶۷۲). به اعتقاد ساکس و آرمز[4](۲۰۰۶، ص ۶۷) خانواده عامل ایجاد این شکاف است چون کودک مقلد رفتارهای والد همجنس خود است اما بارنت[5](۲۰۰۴، ص ۲۰۰) گروه همسالان را عامل این شکاف می‌داند.

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش تعیین پیامدهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی از نظر اساتید و دانشجویان است. اهداف جزئی نیز عبارتنداز؛

۱- تعیین پیامدهای فرهنگی افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی از دیدگاه اساتید و دانشجویان

۲- تعیین پیامدهای اجتماعی افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی از دیدگاه اساتید و دانشجویان

۳- تعیین پیامدهای آموزشی افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی از دیدگاه اساتید و دانشجویان

سوالات پژوهش

۱- از دیدگاه اساتید و دانشجویان افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی تا چه میزان منجر به ایجاد پیامدهای فرهنگی می‌شود؟

۲- از دیدگاه اساتید و دانشجویان افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی تا چه میزان منجر به ایجاد پیامدهای اجتماعی می‌شود؟

۳- از دیدگاه اساتید و دانشجویان افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی تا چه میزان منجر به ایجاد پیامدهای آموزشی می‌شود؟

1 Umeda
2 Baizán
3 Sax
4 Arms
5 Barnett

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف این تحقیق، روش مناسب برای این پژوهش روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق عبارت بودند از کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاههای دولتی اصفهان (دانشگاه اصفهان، علوم پزشکی و هنر). بخش دیگر جامعه آماری را کلیه اساتید دانشگاه اصفهان، علوم پزشکی و هنر تشکیل داده‌اند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شده است. برای برآورد واریانس جامعه، یک گروه سی نفری از اساتید و دانشجویان به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه بین آنها توزیع گردید و پس از استخراج داده‌های به دست آمده، واریانس برای محاسبه حجم نمونه، مورد استفاده قرار گرفت. حجم نمونه به دست آمده برای اساتید ۱۵۰ و برای دانشجویان ۳۱۶ نفر بود که از این تعداد ۱۴۵ پرسشنامه اساتید و ۳۰۳ پرسشنامه دانشجویان برگشت داده شد که همین تعداد ملاک تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. روایی پرسشنامه مورد تأیید پنج نفر از اساتید قرار گرفت و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۹۱ تعیین شد و نتایج آن با نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از روش‌های کلموگروف اسمرینف و آزمون‌های t تک نمونه‌ای و مستقل مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

سوال اول: از نظر اساتید و دانشجویان افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی تا چه میزان منجر به ایجاد پیامدهای فرهنگی می‌شود؟

جدول ۱ : گویه های "پیامدهای فرهنگی" ورود زنان به آموزش عالی و میانگین آنها

	گویه ها	از نظر اساتید	از نظر دانشجویان
۱	ارتقا سطح نگرش و آگاهی‌های عمومی زنان تحصیلکرده	۴/۷۵	۴/۰۷
۲	افزایش میزان علاقه به مطالعه کتاب	۴/۴۷	۳/۵۹
۳	افزایش دانش و اطلاعات زنان	۴/۴۴	۳/۷۱
۴	حضور فعال‌تر در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی	۴/۱۱	۳/۷۰
۵	افزایش شرکت در همایش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی	۴/۰۹	۳/۶۴
۶	تغییر در الگوهای فکری زنان تحصیلکرده	۳/۹۹	۳/۸۵
۷	افزایش رعایت ارزش‌های اخلاقی در گفتار و رفتار زنان	۳/۹۸	۳/۳۹
۸	آشنایی بیشتر زنان با حقوق خود در بعد فردی و اجتماعی	۳/۹۸	۳/۹۳
۹	تغییر در نحوه‌ی ارتباطات میان‌فردی و میان‌گروهی	۳/۹۱	۳/۸۰
۱۰	افزایش تعهد به حفظ ارزش عفاف در بین زنان	۳/۷۵	۲/۸۰
۱۱	رشد بیشتر تفکر انتقادی و درک صحیح‌تر از وقایع پیرامون	۳/۷۵	۳/۶۸

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

۱۲	کاهش نگرش‌های مردسالارانه	۳/۷۲	۳/۶۰
۱۳	کاهش تعارض زنان با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه	۳/۷۱	۳/۱۹
۱۴	افزایش توان سازگاری زنان با هنجارهای اجتماع جهانی	۳/۷۰	۳/۴۳
۱۵	دور شدن زنان از خرافات	۳/۶۴	۳/۵۱
۱۶	تغییر علایق زنان در جهت مثبت نسبت به انتخاب و استفاده از رسانه‌ها	۳/۶۲	۳/۴۴
۱۷	رعایت بیشتر ارزش قناعت و اعتدال در زندگی	۳/۶۲	۲/۹۱
۱۸	احترام و اعتقاد عمیق‌تر نسبت به آداب و رسوم ایرانی	۳/۵۵	۲/۸۴

همانطور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، گویه "ارتقا سطح نگرش و آگاهی‌های عمومی زنان تحصیلکرده" بیشترین میانگین را هم از نظر اساتید و هم از نظر دانشجویان به ترتیب با میانگین ۴/۷۵ و ۴/۰۷ دارد. پس از آن، از نظر اساتید گویه "افزایش میزان علاقه به مطالعه کتاب" با میانگین ۴/۴۷ و از نظر دانشجویان گویه"آشنایی بیشتر زنان با حقوق خود در بعد فردی و اجتماعی" با میانگین ۳/۹۳ بیشترین میانگین را دارند. پایین‌ترین میانگین هم از نظر اساتید و هم از نظر دانشجویان متعلق به گویه"احترام و اعتقاد عمیق‌تر نسبت به آداب و رسوم ایرانی" به ترتیب با میانگین۳/۵۵ و ۲/۸۴ است.

سوال دوم: از نظر اساتید و دانشجویان افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی تا چه میزان منجر به ایجاد پیامدهای اجتماعی می‌شود؟

جدول ۲ : گویه های "پیامدهای اجتماعی" ورود زنان به آموزش عالی و میانگین آنها

	گویه ها	از نظر اساتید	از نظر دانشجویان
۱	افزایش نرخ طلاق در بین زنان تحصیلکرده	۴/۴۶	۳/۲۳
۲	افزایش تعارض میان نقش‌های مختلف زنان در جامعه و خانواده	۴/۲۵	۳/۳۲
۳	افزایش توانایی تربیت صحیح فرزندان	۳/۹۸	۳/۶۸
۴	ارتقا منزلت زنان	۳/۹۸	۳/۷۱
۵	افزایش سن ازدواج	۳/۹۷	۴/۱۰
۶	افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان زنان تحصیلکرده	۳/۹۶	۳/۸۶
۷	افزایش درصد زنان تحصیلکرده بیکار	۳/۹۵	۳/۷۵
۸	رشد آزادی و شجاعت زنان در بیان خواسته‌ها	۳/۹۴	۳/۷۳
۹	افزایش دستیابی زنان به پست‌های مدیریتی	۳/۸۹	۳/۴۰
۱۰	افزایش درآمد زنان تحصیلکرده	۳/۸۹	۳/۴۱
۱۱	رشد بی‌نظمی در محیط‌های کاری	۳/۸۴	۲/۸۱
۱۲	افزایش مراقبت‌های بهداشتی و سن امید به زندگی	۳/۸۳	۳/۸۳
۱۳	کاهش نرخ رشد جمعیت	۳/۸۳	۳/۹۰
۱۴	کاهش افسردگی و بیماری‌های روانی بین زنان تحصیلکرده	۳/۸۲	۳/۲۱
۱۵	نیاز به تجدیدنظر در قوانین و مقررات استخدامی	۳/۸۱	۳/۴۰
۱۶	ورود بیشتر زنان به مشاغل حوزه صنعت و تجارت	۳/۸۰	۳/۶۸
۱۷	دستیابی کمتر مردان به فرصت‌های شغلی	۳/۷۹	۳/۳۶

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

از نظر اساتید گویه‌های"افزایش نرخ طلاق در بین زنان تحصیلکرده" و "افزایش تعارض میان نقش‌های مختلف زنان در جامعه و خانواده" به ترتیب، با میانگین ۴/۴۶ و ۴/۲۵ بیشترین میانگین و گویه "دستیابی کمتر مردان به فرصت‌های شغلی" با میانگین ۳/۷۹، کمترین میانگین را دارند. طبق جدول شماره ۲، از نظر دانشجویان بیشترین میانگین‌ها ۴/۱۰ و ۳/۹۰ هستند که به‌ترتیب به گویه‌های "افزایش سن ازدواج" و"کاهش نرخ رشد جمعیت" تعلق دارند. از نظر آنها گویه "رشد بی‌نظمی در محیط‌های کاری" با میانگین ۲/۸۱ کمترین میانگین را دارد.

سوال سوم: از نظر اساتید و دانشجویان افزایش ورودیهای زنان در آموزش عالی تا چه میزان منجر به ایجاد پیامدهای آموزشی می‌شود؟

جدول ۳ : گویه های "پیامدهای آموزشی" ورود زنان به آموزش عالی و میانگین آنها

	گویه ها	از نظر اساتید	از نظر دانشجویان
۱	ورود بیشتر نیروی علمی زن در آموزش و پرورش	۴/۲۶	۳/۷۷
۲	بهم خوردن تعادل جنسیتی در آموزش عالی	۴/۲۰	۳/۷۹
۳	افزایش نقش زنان در تولید دانش(تالیف، ترجمه، پژوهش)	۴/۱۵	۳/۶۱
۴	ایجاد دانشگاه‌های مستقل بر حسب جنسیت	۴	۲/۸۲
۵	ورود بیشتر زنان به عنوان کادر علمی به موسسات آموزش عالی	۳/۸۸	۳/۵۲
۶	رشد دانش مربوط به مسائل زنان	۳/۸۸	۳/۵۳
۷	تغییر در شیوه‌های تدریس در کلاس	۳/۸۲	۳/۱۵
۸	افزایش توان کارآفرینی زنان	۳/۸۲	۳/۴۶
۹	نیاز به تغییر ساختار آموزش عالی برای برآوردن نیازهای زنان	۳/۷۹	۳/۴۱
۱۰	افزایش تاسیس رشته‌های بین‌رشته‌ای متناسب با نیازهای زنان	۳/۷۱	۳/۳۵
۱۱	تغییر فرهنگ و جو کلاسی به نفع دختران	۳/۴۹	۳/۰۹
۱۲	افزایش کیفیت آموزش	۳/۲۹	۲/۸۸

طبق جدول شماره ۳، از نظر اساتید و دانشجویان بیشترین میانگین‌ها مربوط به گویه‌های "ورود بیشتر نیروی علمی زن در آموزش و پرورش" با میانگین به‌ترتیب ۴/۲۶ و۳/۷۷ و "بهم خوردن تعادل جنسیتی در آموزش عالی" با میانگین ۴/۲۰ و ۳/۷۹ است. طبق نظر اساتید گویه‌های بعدی که دارای میانگین‌های بالایی هستند عباتنداز: "افزایش نقش زنان در تولید دانش(تالیف، ترجمه، پژوهش)" و "ایجاد دانشگاه‌های مستقل بر حسب جنسیت" به ترتیب با میانگین‌های ۴/۱۵ و ۴. کمترین میانگین از نظر اساتید مربوط به گویه"افزایش کیفیت آموزش" با میانگین ۳/۲۹ و از نظر دانشجویان مربوط به گویه "ایجاد دانشگاه‌های مستقل بر حسب جنسیت " با میانگین ۲/۸۲ می‌باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

جدول ۴ : مقایسه توزیع نمرات از نظر "اساتید" با توزیع نرمال و میانگین فرضی ۳

شاخص	آزمون کلموگروف اسمیرنف	میانگین	t	انحراف معیار	خطای معیار
پیامد فرهنگی	۰/۰۵۱	۳/۹۴	۲۷/۰۴	۰/۴۲۴	۰/۰۳۵
پیامد اجتماعی	۰/۱۰۵	۳/۹۴	۳۷/۹۶	۰/۴۰۲	۰/۰۳۳
پیامد آموزشی	۰/۴۲۴	۳/۸۶	۱۹/۵۳	۰/۵۳۵	۰/۰۴۴

براساس جدول شماره ۴، نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنف نشان می‌دهد که توزیع نمرات پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و آموزشی طبق نظر اساتید، نرمال هستند. بر اساس یافته‌ها t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر می‌باشد. بنابراین از نظر اساتید، افزایش ورود دختران به آموزش عالی در هر سه پیامد فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده است.

جدول ۵ : مقایسه توزیع نمرات هر پیامد از نظر "دانشجویان" با توزیع نرمال و میانگین فرضی ۳

شاخص	آزمون کلموگروف اسمیرنف	میانگین	t	انحراف معیار	خطای معیار
پیامد فرهنگی	۰/۱۴۰	۳/۵۱	۱۳/۳۵	۰/۶۶۴	۰/۰۳۸
پیامد اجتماعی	۰/۲۵۶	۳/۵۷	۲۲/۰۲	۰/۴۵۶	۰/۰۲۶
پیامد آموزشی	۰/۳۱۲	۳/۳۷	۱۱/۰۴	۰/۵۴۸	۰/۰۳۳

بر اساس جدول شماره ۵، آزمون کلموگروف اسمیرنف نشان می‌دهد که توزیع نمرات در هر پیامد نرمال است. از نظر دانشجویان افزایش ورود دختران به آموزش عالی در هر سه پیامد فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده است.

جدول ۶ : مقایسه توزیع نمرات از دیدگاه اساتید و دانشجویان

شاخص	اساتید		دانشجویان		t	P
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
فرهنگی	۳/۹۴	۰/۴۲۴	۳/۵۱	۰/۶۶۴	۰/۵۱	۰/۶۰۷
اجتماعی	۳/۹۴	۰/۴۰۲	۳/۵۷	۰/۴۵۶	۰/۴۶۲	۰/۷۸۱
آموزشی	۳/۸۶	۰/۵۳۵	۳/۳۷	۰/۵۴۸	۰/۹۸۰	۰/۹۱۳

براساس جدول شماره ۶، آزمون t مستقل نشان می‌دهد که در هر سه پیامد بین نظرات اساتید و دانشجویان تفاوت معناداری وجود ندارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

بحث و نتیجه‌گیری

پیامدهای فرهنگی ناشی از میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها بر نظام آموزش عالی بیش از حد متوسط بوده است. اساتید و دانشجویان معتقدند حضور در آموزش عالی باعث"ارتقای سطح نگرش و آگاهی‌های عمومی زنان تحصیلکرده" می‌شود که این نتیجه با دستاورد پژوهشی دیویس و رابینسون[1](۱۹۹۱)، باکلی و کارتر (۲۰۰۰)، کوپرجکسون (۲۰۰۱)، شاه‌طالبی و همکاران(۲۰۱۱) و پارین‌جوری و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد. در حقیقت یکی از دستاوردهای آموزش عالی برای زنان بالا رفتن میزان دانش و اطلاعات علمی وغیرعلمی آنان در حوزه‌های مرتبط با زندگی امروز می‌باشد.

دیگر پیامد فرهنگی "افزایش میزان علاقه به مطالعه کتاب" است که نتیجه به دست آمده در این پژوهش با گزارش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۳) مبنی بر حضور بیش از ۵۰ درصد زنان تحصیلکرده در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی به روز و پژوهش موکان و کانونیر (۲۰۱۲) هماهنگی دارد. مشاهدات تجربی پژوهشگران نشان می‌دهد که درصد بالاتری از ثبت‌نام در کلاس‌های متفرقه فرهنگی متعلق به دختران است. به عبارتی، برخورداری از اندیشه خلاق و آگاهی از علوم عصر امروز باعث شده است زنان خود را به سلاح علم و دانش تجهیز کنند. گویه "رعایت بیشتر ارزش‌های اخلاقی و گفتار و کردار زنان تحصیلکرده" با نتایج تحقیق گارلند (۱۹۸۱) و لیاقتدار (۱۳۹۱) مطابقت دارد. به عبارتی افزایش تحصیلات در بین زنان باعث افزایش سطح آگاهی آنان در زمینه‌های مهارت‌های ارتباطی- گفتاری و اثربخشی بیشتر در طعام، کنترل احساسات و هیجانات می‌شود.

به نظر اساتید و دانشجویان افزایش حضور زنان در آموزش عالی باعث "احترام و اعتقاد عمیق‌تر نسبت به آداب و رسوم ایرانی" می‌شود که با نتایج تحقیق جوانا[2](۲۰۰۳) مطابقت دارد. اساتید و دانشجویان متفقاً به این گویه نمره‌ی پایینی داده‌اند.

دانشجویان معتقد بودند که تحصیلات باعث "آشنایی بیشتر زنان با حقوق خود در بعد فردی و اجتماعی" می‌شود که این نتیجه با پژوهش طالب زاده (۱۳۸۳)، دوفلو(۲۰۱۲)، پارمار[3]و همکاران(۲۰۱۴) و بوگانادام[4]و همکاران(۲۰۱۴) هماهنگ است. رشد دانش زنان باعث افزایش آگاهی آنان از حقوق سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و انسانی می‌شود. این افزایش آگاهی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش توانمندی و حضور فعال آنها در عرصه‌های خرد و کلان اجتماعی گردد. نوکرتی و همکاران(۲۰۱۴) و شیرازی(۲۰۱۲) معتقد هستند که افزایش آموزش باعث استفاده بیشتر زنان از وسایل ارتباطی و اینترنت می‌گردد. البته پارین‌جوری و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند که افزایش آموزش در افزایش مشارکت اجتماعی نقشی ندارد. دانشجویان معتقد بودند که تحصیلات عالی باعث "دور شدن زنان تحصیلکرده از خرافات" و عدم اعتقاد به آنان در زندگی است که با تحقیق موکان و کانونیر (۲۰۱۲) مطابقت داشت ولی با پژوهش شادی‌طلب (۱۳۸۲) هماهنگ نبود. این گویه از نظر دانشجویان کم

1 Davis &Robinson
2 Joanna
3 Parmar
4 Bhoganadam

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

برآورد شده است. به‌طور طبیعی انتظار می‌رود با افزایش سطح آگاهی و دانش، تغییراتی در ارزش‌ها، باورها و رفتارهای نادرست انسان روی دهد.

در این پژوهش، پیامدهای اجتماعی ناشی از میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها بر نظام آموزش عالی بیش از حد متوسط بوده است. اساتید معتقد بودند که تحصیلات عالی باعث "افزایش نرخ طلاق بین زنان تحصیلکرده" می‌شود که با نتیجه پژوهش تامین(۱۳۷۳)، کلانتری و همکاران(۱۳۹۰)، شاورانی(۲۰۰۵)، ریمو و پارک(۲۰۱۳)، ریمو و همکاران(۲۰۱۳) و کریگر[2] و همکاران(۲۰۱۳) تفاوت دارد. تحصیلات می‌تواند به عنوان یک عامل تحریک کننده، دانش و اطلاعات انسانها را در زمینه روابط بین همسران و خانواده افزایش دهد. چنانچه نتایج تحقیق تروم پوسیس[3](۲۰۰۴) نشان می‌دهد که سطح تحصیلات سبب دگرگونی بیشتر در زمینه کسب رضایت و زندگی مشترک و زناشویی می‌گردد.

از نظر اساتید تحصیلات عالی باعث "افزایش کشمکش و تعارض بین نقش‌های زنان" است. این نتیجه با گفته روزایودل[4](۱۳۷۵)، ساروخانی و رفعت‌جاه(۱۳۸۳)، روی[5]و همکاران(۲۰۱۴) و مهدی‌زاده(۲۰۱۶) مطابقت دارد. نقش دوگانه زنان در خانه و اجتماع تاثیر عمده‌ای در رشد و بهره‌وری خواهد داشت ولی برقراری ارتباط منطقی بین مسئولیت‌های متعدد برای زنان، امروزه از مهمترین دغدغه‌ها به حساب می‌آید. شاه‌طالبی و همکاران(۲۰۱۱) و اومدا و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند زنانی که دارای توانایی‌ها مدیریتی هستند می‌توانند بین انتظارات مختلفی که از آنها می‌رود هماهنگی ایجاد کنند. در این پژوهش، اساتید گویه "رشد آزادی و شجاعت در بیان خواسته‌ها و ابراز عقاید" را در حد بالای متوسط برآورد کردند. برنارد[6](۱۳۸۴) معتقد است که محیط دانشگاهی زنان را به اندیشیدن و اعتراض علیه وضعیت موجود تحریک می‌کند. این نتیجه با پژوهش گرین و هیل[7](۲۰۰۳)، شیرازی(۲۰۱۲) و سرجونو و همکاران(۲۰۱۵) مطابقت دارد زیرا تحصیلات، زنان را از حاشیه به متن می‌آورد و آنان در پرتو برخورداری از علم، با شجاعت بیشتری می‌توانند مطالبات خود را دنبال کنند.

ازجمله پیامدهای مدنظر دانشجویان می‌توان به "افزایش سن ازدواج در بین زنان تحصیلکرده" اشاره کرد که دارای بالاترین میانگین است. از نظر شیخی(۱۳۸۵، صص۲۲-۲۶) علل زیادی باعث افزایش سن ازدواج می‌شود که یکی از آنها تحصیلات است. عوامل دیگر عبارتنداز: مشکلات اقتصادی، ارزش‌ها و آداب و رسوم و آزادی روابط جنسی. این گویه با نظریات بودون(۱۳۸۳)، حبیب‌پور و غفاری(۱۳۹۰)، فولادی(۱۳۹۳)، بوگانادام و همکاران(۲۰۱۴)، روی و همکاران(۲۰۱۴) و

1 Raymo & Park
2 Kreager
3 Troumpoucis
4 Del Rosario
5 Roy
6 Bernard
7 Green & Hill

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

آبرامویتز(۲۰۱۵) همخوان است. زنان به علت اینکه اهداف تحصیلی و شغلی خود را دنبال می‌کنند تا اوایل دهه‌ی سوم زندگی، ازدواج را به تاخیر می‌اندازند(روی و همکاران، ۲۰۱۴، ص۱۴).

دانشجویان معتقدند که افزایش میزان تحصیلات دختران باعث "کاهش نرخ رشد جمعیت" می شود که با نتایج روی و همکاران(۲۰۱۴)، آگوستین[2] و همکاران(۲۰۱۵)، گونس[3](۲۰۱۵)، آبرامویتز(۲۰۱۵) و کاتابیانو[4](۲۰۱۶) مطابقت دارد. در نتیجه‌ی افزایش تحصیلات، برخی دختران ترجیح می‌دهند بدون فرزند به زندگی زناشویی خود ادامه دهند و برخی از آنها زمان بارداری اول را تا اوایل سی سالگی به تاخیر می‌اندازند و به علت تاخیر در بارداری اول زمان لازم برای بارداری‌های بعدی را در اختیار نخواهند داشت و از آن صرف‌نظر می‌کنند(روی و همکاران، ۲۰۱۴، ص۱۴؛ ایمپشاتور و دالا زوآنا[5] ۲۰۱۶، ص ۱۹).

از نظر اساتید و دانشجویان پیامدهای آموزشی افزایش میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها بیش از حد متوسط بوده است. یکی از پیامدها که "ورود بیشتر نیروی علمی زن در آموزش و پرورش" می‌باشد با گزارش مرکز آمار(۱۳۸۳) در ارتباط با تقسیم‌پذیری شغلی زنان مطابقت دارد که ۳۷ درصد از تقسیم‌بندی شغلی زنان منحصر به آموزش و پرورش بوده است. احتمالا، علت ورود بیشتر زنان به آموزش و پرورش، علاقه‌ی ایشان به مشاغل کارمندی و خدماتی از جمله معلمی، پرستاری و منشی‌گری می‌باشد(مایکلس[6]،۲۰۱۴، ص۷۱۵۱). با وجود این، شریف(۲۰۱۵، ص۳۳۰) و عثمان[7](۲۰۱۵، ص۱۰۴۷) معتقدند آموزش زنان، باعث جذب آنان به مشاغل بازرگانی و کارآفرینی نیز خواهد شد.

گویه "تغییر فرهنگ و جو کلاسی به نفع دختران" پیامدی کمتر ارزیابی شده، است. علیرغم تعداد بیشتر دختران در اکثر کلاس‌ها نسبت به پسران ولی هنوز پسران اقتدار و مدیریت بیشتری دارند. این مطلب با نظریات دوگر[8](۲۰۰۱، ص۱۲۵) و سیمائو[9](۲۰۱۵، ص۴۷۱) مطابقت دارد. از نظر دوگر اساتید، پسران را بیشتر مورد خطاب قرار می‌دهند و هنگامی که یک دانشجوی پسر سوالی می‌پرسد به حساب هوش و کنجکاوی او می‌گذارند و موفقیت زنان را ناشی از شانس می‌دانند که افزایش حضور دختران باعث تغییر این وضعیت می‌گردد. درر و همکاران(۲۰۱۵، ص۴۶۶) نیز معتقدند که حضور بیشتر دختران باعث افزایش سهم آنها از بودجه و فرصت‌های آموزشی می‌گردد. اساتید و دانشجویان معتقد بودند که تحصیلات عالی زنان باعث "ایجاد دانشگاه‌های مستقل مبتنی بر جنسیت" می‌شود که با نظرات سوبارئو (۱۳۷۷) همخوان است.

1 Abramowitz
2 Augustine
3 Güneş
4 Caltabiano
5 Impicciatore & Dalla Zuanna
6 Michalos
7 Othman
8 Dugger
9 Simao
1 Dreher 0

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

پیامد دیگر "افزایش نقش زنان در تولید دانش" بود که با نظرات قورچیان(۱۳۸۳)،کرتزی و لازرونی(۲۰۰۴)، پراساد[2](۲۰۰۷) و گزارش مرکز امور مشارکت زنان در سال ۱۳۸۸ مبنی بر افزایش سهم زنان ناشر، مترجم و مولف در تولید دانش در سالهای اخیر هماهنگ است.

پیشنهادات

یافته‌های پژوهش در بعد فرهنگی حاکی از نتایج مثبتی مانند افزایش آگاهی‌های عمومی زنان، آشـــنایی با حقوق خود و علاقه به مطالعه اســت که توصــیه می‌گردد از حضــور دختران در فعالیت‌های فرهنگی – اجتماعی حمایت گردد. همچنین، پیشنهاد می‌گردد متناسب با علایق آنها دوره‌های مطالعاتی برگزار شود.

براساس یافته‌های بعد اجتماعی پژوهش، برخی نتایج می‌توانند برای جامعه خطرآفرین باشند. از این‌رو پیشنهاد می‌شود که تدابیر لازم در جهت هدایت تحصیلی دختران برای انتخاب رشته‌های تحصیلی متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی و آینده شغلی آنان اتخاذ شود. همچنین، خدمات مشاوره‌ای رایگان در زمینه‌های علمی، فرهنگی، ازدواج و مشکلات خانواده در اختیار آنها قرار داده شود تا دید بهتری نسبت به موقعیت‌ها و مسائل پیش‌رو پیدا کرده و آگاهانه خود را برای آنها آماده کنند. همانطور که نتایج نشان داد افزایش مدت تحصیل باعث می‌شود دختران، ازدواج و فرزندآوری را به تاخیر بیاندازند که خود زمینه‌ای برای مشکلاتی بعدی در سطح فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند. لذا ایجاد آگاهی نسبت اهمیت تحصیل، ازدواج و فرزندآوری و آمادگی برای مقابله با معضلات عدم بهره‌مندی از هر کدام برای دختران ضروری به‌نظر می‌رسد. نهایتا، تغییراتی در زمینه‌ی مقررات استخدامی ایجاد گردد و زمینه‌ای برای ایفای بهتر نقش خانوادگی آنها در نظر گرفته شود.

در بعد آموزشی پیشنهاد می‌گردد که متناسب با نقش زنان در عرصه‌های مختلف زندگی، برنامه‌ریزی‌های آموزشی صورت گیرد و کتب درسی تدوین گردند. همچنین، پیشنهاد می‌شود توسعه کمی و کیفی وضعیت خابگاه‌های دختران و افزایش مسئولیت آنان در اداره‌ی خوابگاه مدنظر قرار گیرد. و در آخر، به منظور ارتقای وضعیت پژوهش زنان توصیه می‌شود واحدهای مطالعاتی زنان در دانشگاه‌ها مستقر گردند.

منابع

اسماعیلی، ع. ؛ یزدخواستی، ب. (۱۳۸۵). *نگاه انسانی به شخصیت زن در عصر جهانی شدن*. مجموعه مقالات همایش بین المللی نقش زنان در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی، جلد اول، دانشگاه اصفهان.

آراسته، ح. ر. (۱۳۸۶). چارچوبی برای تدوین نقشه توسعه علمی کشور: رویکرد سیستمی. *فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت*، ۱۵(۴۰): ۱۶-۴.

بجنوردی، م. (۱۳۸۳). وضعیت زنان پیش از اسلام. *فصلنامه فرهنگی پژوهشی زنان*، ۹ (۱): ۲-۲۸.

1 Cortesi & Iazzeroni
2 Prasad

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

بخارایی، ا. (۱۳۸۹). مطالعه نظری و تجربی عوامل فرهنگی ایجاد عدالت جنسیتی در بین زنان متاهل شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه اصفهان.

برنارد، ج. (۱۳۸۴). *دنیای زنان*. ترجمه شهرزاد ذرفن. تهران: اختران.

بودون، ر. (۱۳۸۳). *منطق کنش اجتماعی : روش تحلیل مسائل اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.

پورکریمی، ج. (۱۳۸۳). *توسعه پایدار، توسعه انسانی و اشتغال دانش آموختگان*. تهران: موسسه پژهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

تامین، م. (۱۳۷۳). *جامعه شناسی قشربندی و نابرابری های اجتماعی نظری و کاربردی*. ترجمه نیک‌گهر. تهران: توتیا.

حبیب‌پور گتابی، ک. ؛ کرم غفاری، غ. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. *زن در توسعه و سیاست*، ۹(۱): ۷-۳۴.

حسین‌پور، م. ؛ حاجی‌پور، ب. ؛ حسینیان، ا. (۱۳۹۱). موانع دستیابی زنان به سطوح مدیریتی میانی و ارشد. *زن و فرهنگ*، ۱۴(۴): ۴۳-۵۶.

روزایودل، ر. (۱۳۷۵). *جنسیت و توسعه*. ترجمه جواد یوسفیان. تهران: بانو.

ساروخانی، ب. ؛ رفعت‌جاه، م. (۱۳۸۳). عوامل جامعه شناختی مؤثر در باز تعریف هویت اجتماعی زنان. *زن در توسعه و سیاست*، ۲(۱): ۷۱-۹۱.

سوبارئو (۱۳۷۷). *سهم زنان در آموزش عالی: پیشرفتها - محدودیتها و اقدامات نویدبخش*. ترجمه محمدرضا کرامتی. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

شادی‌طلب، ژ. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی زنان. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۴(۱): ۲۶-۵۲.

شجاعی، ز. (۱۳۸۱). *برای زنان فردا*. جلد اول، تهران: سوره مهر.

شیخی، م. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

صفری، ف. (۱۳۷۴). *الگوی اجتماعی و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی بر اساس دیدگاه امام خمینی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

صمیمی‌پور، م. (۱۳۹۲). بررسی نیازهای آموزشی زنان روستایی(مطالعه موردی روستای هرایجان) و ارائه برنامه‌های آموزشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.

طالب زاده، خ. (۱۳۸۳). اصلاحات و زنان. *فصلنامه فرهنگی و پژوهشی زنان*، ۹(۴): ۹۵-۱۰۷.

عمادزاده، م. (۱۳۸۲). اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۱(۷): ۱۱۵-۱۴۰.

فریدون، ح. (۱۳۸۳). *آموزش عالی و توسعه ملی*. تهران: موسسه پژهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

فولادی، م. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تاکید بر عوامل فرهنگی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۲۰(۳): ۷۹-۱۰۷.

قورچیان، ن. ق. (۱۳۸۳). *دایره المعارف آموزش عالی*. جلد اول. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

کدیور، پ. (۱۳۸۲). *بررسی پدیده‌ی جهانی شدن و چالش‌های در آموزش عالی و تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.

کلانتری، ع. ؛ روشن فکر، پ. ؛ جواهری، ج. (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقات «علل طلاق» در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۵۳(۳): ۱۲۹-۱۶۲.

لیاقتدار، م. ج. ؛ نوروزی لرکی، م. (۱۳۹۱). بررسی نگرش دانشجویان پیرامون پیامدهای فرهنگی – اجتماعی و فردی – خانوادگی افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی. *جامعه شناسی کاربردی*، ۲۳ (۳): ۳۶-۱۹.

مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۳). زن، توسعه وعلم. *فصلنامه فرهنگی و پژوهشی زنان*، ۹(۳): ۶۶-۷۸.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). *ویژگیهای اجتماعی- اقتصادی زنان در ایران ۷۵- ۱۳۶۵*. تهران: مرکز آمار ایران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

مرکز آمار ایران (۱۳۸۳). آمارگیری از وضعیت اشتغال و بیکاری خانوار.

مطهری، م. (۱۳۸۶). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.

موسوی خمینی، ر. ا. (۱۳۹۰). *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مومنی، ع. (۱۳۸۵). *آیه حلیه و قضاوت زن*. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی نقش زنان در توسعه علوم و فرهنگ و تمدن اسلامی. جلد دوم. دانشگاه اصفهان.

مهرمحمدی، م. (۱۳۹۲). *درآمدی بر آموزشگری در آموزش عالی: به سوی استاد آموزش‌پژوه*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

نجوان، ن. (۱۳۸۶). برابری جنسیتی. *نشریه اجتماعی زنان*، ۷(۱): ۵۹–۲۸.

Abramowitz, J. (2015). "Assisted Reproductive Technology and Women's Timing of Marriage and Childbearing." *Journal of Family and Economic Issues*, *37*(3), 1- 18.

Altbach, P. G., & De Wit, H. (2015). "Internationalization and Global Tension Lessons From History." *Journal of Studies in International Education*, *19*(1), 4-10.

Astin, A. W. (2012). *Assessment for excellence: The philosophy and practice of assessment and evaluation in higher education.* Maryland: Rowman & Littlefield Publishers.

Augustine, J. M., Prickett, K. C., Kendig, S. M., & Crosnoe, R. (2015). "Maternal Education and the Link Between Birth Timing and Children's School Readiness." *Social science quarterly*, *96*(4), 970-984.

Baizán, P., Arpino, B., & Delclòs, C. E. (2016). "The effect of gender policies on fertility: The moderating role of education and normative context." *European Journal of Population*, *32*(1), 1-30.

Barnett, R. (2004). "Same difference: How gender myths are hurting our relationships, our children, and our job." *Journal of College Student Development*, *34*(3), 195-220.

Barrett, M. (2014). *Women's oppression today: The Marxist/feminist encounter*. New York: Verso Books.

Behrman, J. A. (2015). "Does schooling affect women's desired fertility? Evidence from Malawi, Uganda, and Ethiopia." *Demography*, *52*(3), 787-809.

Bhoganadam, S. D., Malini, H., & Rao, D. S. (2014). "Women's empowerment and economic development." *EXCEL International Journal of Multidisciplinary Management Studies*, *4*(8), 100-107.

Buckley, P. J. & Carter, M. J. (2000). "Knowledge management in global technology markets: Applying theory to practice." *Long Range Planning*, *33*(1), 55-71.

Caltabiano, M. (2016). "A turning point in Italian fertility." *Journal of Population Research*, *33*(3), 1-19.

Chen, I. C. (2016). "Parental education and fertility: An empirical investigation based on evidence from Taiwan." *Journal of Family and Economic Issues*, *37*(2) , 272-284.

Chevalier, A., Harmon, C., O'Sullivan, V., & Walker, I. (2013). "The impact of parental income and education on the schooling of their children." *IZA Journal of Labor Economics*, 2(1), 1- 22.

Cooper Jackson, J. (2001). "Women middle managers' perception of the glass ceiling." *Women in Management Review*, *16*(1), 30-41.

Cortesi, G., & Lazzeroni, M. (2004). "Women and the access to knowledge and new technologies: The case of Pisa." *GeoJournal*, *61*(3), 229-237.

Cunningham, K., Ruel, M., Ferguson, E., & Uauy, R. (2015). "Women's empowerment and child nutritional status in South Asia: a synthesis of the literature." *Maternal & child nutrition*, *11*(1), 1-19.

Davis, N. J. & Robinson, R. V. (1991). "Men's and women's consciousness of gender inequality: Austria, West Germany, Great Britain, and the United States." *American Sociological Review*, *56*(1), 72-84.

Diprete, T. A., & Buchmann, C. (2013). *The rise of women: The growing gender gap in education and what it means for American schools*. New York: Russell Sage Foundation.

Dreher, A., Gehring, K., & Klasen, S. (2015). "Gesture politics or real commitment? Gender inequality and the allocation of aid." *World Development*, *70* (11), 464-480.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

Duflo, E. (2012). "Women empowerment and economic development." *Journal of Economic Literature, 50*(4), 1051-1079.

Dugger, K. (2001). "Women in higher education in the United States: I. has there been progress?" *International Journal of Sociology and Social Policy, 21* (12),118 -130.

Edwards, L. N. & Pasquale, M. K. (2003). "Women's higher education in Japan: Family background, economic factors, and the equal employment opportunity law." *Journal of The Japanese and International Economies, 17*(1), 1-32.

Flaişer, M. (2014). "Romanian terms for less common feminine professions. "*Procedia-Social and Behavioral Sciences, 149*(9), 344-348.

Garland, D. R. (1981). "Training married couples in listening skills: Effects on behavior, perceptual accuracy and marital adjustment." *Family Relations, 30* (2), 297-306.

Gopal, M. V. (2008). "Women, gender and conflict." In *Sixth AIMS International Conference On Management, Indian Institute of Management Bangalore December* (pp. 28-31).

Green, R. J. & Hill, J. H. (2003). "Sex and higher education: Do men and women attend college for different reasons?"*College Student Journal, 37*(4), 557-564.

Groth, H., & Sousa-Poza, A. (Eds.). (2012). *Population dynamics in Muslim Countries: Assembling the jigsaw*. Berlin: Springer.

Güneş, P. M. (2015). The role of maternal education in child health: Evidence from a compulsory schooling law. *Economics of Education Review, 47*(7), 1-16.

Impicciatore, R., & Dalla Zuanna, G. (2016). "The impact of education on fertility in Italy. Changes across cohorts and south–north differences." *Quality & Quantity, 50*(4), 1-25.

Jaggar, A. M. (2015). *Just methods: An interdisciplinary feminist reader.* Abingdon-On-Thames: Routledge.

Joanna, E. (2003). "The gender gap in Canada." *Sociology and Anthropology, 35* (2),191-220.

King, E., & Mason, A. D. (2001). *Engendering development-through gender equality in rights.* Washington: Resources and Voice, World Bank and Oxford University Press.

Kreager, D. A., Felson, R. B., Warner, C., & Wenger, M. R. (2013). "Women's education, marital violence, and divorce: A social exchange perspective." *Journal of marriage and family, 75*(3), 565-581.

Ledwith, S. & Manfredi, S. (2000). "Balancing gender in higher education: A study of the experience of senior women in a New'UK university." *European Journal of Women's Studies, 7*(1), 7-33.

Lee, C. D. (2007). *Hope for today and tomorrow: Identity construction, power, and persistence of community college women who are first in their families to attend college* (Doctoral dissertation). Louisiana State University, Baton Rouge, Louisiana.

Legates, M. (2012). *In their time: A history of feminism in western society*. Abingdon-on-Thames: Routledge.

Lundberg, S. & Pollak, R. A. (1993). "Separate spheres bargaining and the marriage market." *Journal of Political Economy, 101*(6), 988-1010.

Mehdizadeh, N. (2016). *Work and family balance in the middle east and north Africa*. Bristol: Policy Press.

Michalos, A. C. (Ed.). (2014). *Encyclopedia of quality of life and well-being research*. Berlin: Springer.

Mocan, N. H. & Cannonier, C. (2012). *Empowering women through education: Evidence from Sierra Leone* (No. w18016). National Bureau of Economic Research.

Myrskylä, M. (2013) "Commentary: Maternal education accentuates girls' mortality advantage over boys'." *International journal of epidemiology, 42*(1),219-220.

Nicholson, L. (2013). *Feminism/postmodernism*. Abingdon-On-Thames: Routledge.

Novo-Corti, I., Varela-Candamio, L. & García-Álvarez, M. T. (2014). "Breaking the walls of social exclusion of women rural by means of ICTs: The case of 'digital divides' in Galician." *Computers in Human Behavior, 30*(1), 497-507.

Okin, S. M. (2013). *Women in western political thought*. Princeton University Press.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]

Osili, U. O. & Long, B. T. (2008). "Does female schooling reduce fertility? Evidence from Nigeria." *Journal of Development Economics*, *87*(1), 57-75.

Othman, M. B. (2015). "Role of women in achieving shared prosperity: An impact study of Islamic microfinance in Malaysia." *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *211* (11), 1043-1048.

Parinduri, R. A. & Samarakoon, S. (2015). "Does education empower women? Evidence from Indonesia." *World Development*, *66*(7), 428-442.

Park, H., & Raymo, J. M. (2013). "Divorce in Korea: Trends and educational differentials." *Journal of Marriage and Family*, *75*(1), 110-126.

Parmar, D., Williams, G., Dkhimi, F., Ndiaye, A., Asante, F. A., Arhinful, D. K., & Mladovsky, P. (2014). "Enrolment of older people in social health protection programs in West Africa–Does social exclusion play a part?" *Social science & medicine*, *119*(9), 36-44.

Prasad, N. (2007). *Women and Development*. Delhi: APH Publishing.

Raymo, J. M., Fukuda, S., & Iwasawa, M. (2013). "Educational differences in divorce in Japan." *Demographic Research*, *28*(1), 177-206.

Roy, R. N., Schumm, W. R., & Britt, S. L. (2014). *Transition to parenthood*. New York :Springer.

Sax, L. J. & Arms, E. (2006). "The gender gap: Convergence or divergence over the college years." In *annual meeting of the American Educational Research Association, San Francisco, CA*.

Sax, L. J. (2007). "College women still face many obstacles in reaching their full potential." *Chronicle of Higher Education*, *54*(5), 1-4.

Shahtalebi, S., Yarmohammadian, M. H. & Ajami, S. (2011). "Women's success factors from leadership in higher education." *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *15*(5), 3644-3647.

Sharif, M. Y. (2015). "Glass ceiling, the prime driver of women entrepreneurship in Malaysia: A Phenomenological study of women lawyers." *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *169*(9), 329-336.

Shavarani, M. K. (2005). "The feminization of Iranian higher education." *International Review of Education*, *51*(4), 329-347.

Shirazi, F. (2012). "Information and communication technology and women empowerment in Iran." *Telematics and Informatics*, *29*(1), 45-55.

Simão, F. L. (2015). "Coeducation and the insertion of women in the academic sphere: An experience, a trajectory in Brazil." *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *174*(4), 474-482.

Surjono, Prasisca, Y. & Sutikno, F. R. (2015). "Gender equality and social capital as rural development indicators in Indonesia (Case: Malang Regency, Indonesia)." *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *211*(1), 370-374.

Troumpoucis, P. (2004). "Women reap more benefits from higher education, study finds." *Black Issues in Higher Education*, *21*(10), 9-19.

Umeda, M., McMunn, A., Cable, N., Hashimoto, H., Kawakami, N. & Marmot, M. (2015). "Does an advantageous occupational position make women happier in contemporary Japan? Findings from the Japanese study of health, occupation, and psychosocial factors related equity (J-HOPE)." *SSM-Population Health*, *1*(1), 8-15.

World Economic Forum. (2015). The global gender gap report. Available at: <http://reports.weforum.org/global-gendergap-report-2015>.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.37.37]